

پوستر فیلم آل؛ برای آنهایی که پایه فیلم‌های ترسناک هستند این پوستر آشناست و شبیه پوستر فیلم‌هایی مثل اره و هاسل است. آیا خود فیلم هم مثل این فیلم‌ها ترسناک از آب در می‌آید؟

مهم‌ترین فیلم‌های سینمای وحشت ایران از دیروز تا امروز

جیغ‌های وطنی

محبوبه افتخاری

ژانر وحشت از آن سبک فیلم‌هایی است که ما ایرانی‌ها بیشتر به دیدن نسخه‌های خارجی‌اش عادت کرده‌ایم و تقریباً توی ذهنمان نمونه کاملاً موفق ایرانی از آن سراغ نداریم. ساموئل خاچیکیان اولین کارگردانی بود که در دهه ۴۰-۲۰ برای تماشاگر ایرانی فضای ترسناک ایجاد کرد؛ فیلم‌هایی که البته المان‌های وحشت‌آورش نمونه‌برداری از فیلم‌های ترسناک خارجی بودند. این سبک فیلمسازی در دهه ۷۰ کمرنگ‌تر شد و تماشاگرهای ایرانی که با فیلم‌های ترسناک خارجی آشنا شده بودند دیگر از فیلم‌هایی مثل «مردی در آینه» نترسیدند. اما همان سال‌ها «شب بیست‌ونهم» توانست تماشاگرها را با فضای کاملاً ایرانی بترساند. از «شب بیست‌ونهم» تا فیلم بعدی‌ای که در ژانر وحشت ساخته شد ۱۰ سال فاصله افتاد تا کارگردان‌های ایرانی جرات کردند فیلم‌هایی بسازند که بشود رویشان اسم «ترسناک» گذاشت. البته بعضی از این فیلم‌های ترسناک برای ترساندن از المان‌های ترسناک هالیوودی استفاده کردند و بعضی‌ها تر جیغ دادند ایرانی‌ها را با خرافات و تخیلات و افسانه‌های ایرانی‌شان بترسانند. نمونه‌های زیر موفق‌ترین فیلم‌های ایرانی هستند که مستقیم یا غیرمستقیم لقب فیلم ترسناک گرفته‌اند.

به زودی می‌بینیم

آل / بهرام بهرامیان / ۱۳۸۸

داستان فیلم: یک مهندس جوان (مصطفی زمانی) به دستور مدیر شرکتی که در آن کار می‌کند باید به ماموریتی در ارمنستان برود. زن مهندس باردار است. آنها با هم راهی این سفر می‌شوند و در ارمنستان اتفاق‌های عجیب‌وغریبی برایشان می‌افتد که همه زندگی‌شان را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

از چه می‌ترسیم: به نظر می‌رسد «آل» - تازه‌ترین فیلمی که در ژانر وحشت در حال ساخت است - از عوامل ترسناک ایرانی استفاده کرده. با توجه به اسم فیلم یعنی «آل» احتمالاً موضوع ترسناک فیلم موضوعی شبیه شب بیست‌ونهم است؛ همان داستان زن باردار و موجودی خرافی به اسم «آل» که زن‌های باردار را آزار می‌دهد. با توجه به مهارتی که از بهرام بهرامیان در سریال «ساعت شنی» دیدیم، نوع معماری و فضای خاکستری کشور ارمنستان که بخش زیادی از فیلم در آن ساخته شده و حضور بهرام عظیمی‌نژاد که سابقه ساخت یک انیمیشن ترسناک بهرام را دارد به عنوان کمک‌کننده در خلق فضای ترسناک صحنه‌ها، احتمالاً با یک فیلم ترسناک کم‌نقص ایرانی روبه‌رو خواهیم بود. علی معلم تهیه‌کننده فیلم هم پیش‌بینی کرده «آل» یک فیلم موفق در ژانر وحشت از آب دربیاید.

استفاده کنم. به همین خاطر هم سراغ مردم شمال ایران رفتم. چون در آن فرهنگ چنین المان‌های ترسناکی وجود دارد.» البته خطیبی برای ترسناک شدن فیلمش کاملاً هم شبیه فیلم‌های قبلی ایرانی که کم‌وبیش در ژانر وحشت ساخته شده‌اند، عمل نکرده است؛ «البته حریم یک تفاوت با باقی فیلم‌های ترسناک ایرانی دارد. در همه فیلم‌هایی که من دیدم، آخر داستان مشخص می‌شود عاملی که باعث ترس شده، تخیلی بوده؛ تخیلی که یک جایی تمام می‌شود و ما متوجه می‌شویم واقعیت چیز دیگری است اما ما در حریم تصمیم گرفتیم تا آخر خیلی به داستانمان وفادار بمانیم و به اصطلاح تماشاگر را سرکار نگذاریم و فیلم در همان فضایی که شروع شده، تمام شود؛ یعنی کسی به این نتیجه نرسد که شخصیت فیلم همه اتفاق‌ها را در خواب یا تخیل دیده است؛ برعکس، همه اتفاق‌های عجیب و غریب تقریباً واقعی به نظر بیایند و تا آخر فیلم هم ادامه پیدا کنند. البته حریم یک فیلم فقط ترسناک نیست، من می‌خواستم یک فیلم معمایی - پلیسی بسازم که ترسناک هم باشد. دوست داشتم کنار ترساندن تماشاگر، داستان فیلم را هم تعریف کنم.»

خطیبی برای اینکه ببیند سومین تجربه فیلمسازی‌اش چقدر می‌تواند تماشاگر را بترساند، سعی کرده فیلم را در سالن سینما و کنار تماشاگر عادی ببیند و از این تجربه هم راضی است؛ «دوست داشتم واکنش مردم را از نزدیک ببینم. چیزی که برای تماشاگر ایرانی عادت شده، این است که دوست دارند داستان فیلم را حدس بزنند و جلو جلو برای هم تعریف کنند؛ انگار خیلی وقت‌ها هم حدسشان درست از آب در می‌آید اما خوشبختانه هم در جشنواره و هم در اکران عمومی، کسی نتوانست جلو جلو فیلم را حدس بزند و بعد از صحنه‌های ترسناک همه با هم پیچ می‌کردند یا می‌خندیدند که خب اینها نشانه‌های خوبی است چون معمولاً آدم‌ها بعد از ترسیدن در سینما به ترس خود و اطرافیان‌شان می‌خندند و بعد با هم حرف می‌زنند.»

خواب لیلا / مهرداد میرفلاح / ۱۳۸۶

داستان فیلم: لیلا دختری ۲۶ ساله است که در خانه‌ای که از پدر و مادرش به ارث برده، زندگی می‌کند. مدتی است یک دختر ۶ ساله که قدرت خارق‌العاده‌ای دارد شدیداً به او حمله می‌کند و لیلا نمی‌تواند از خودش دفاع کند. لیلا برای حل این ماجرا سراغ دکترها می‌رود و آنها تصمیم می‌گیرند که او را هیپنوتیزم کنند تا با ضمیر ناخودآگاهش ارتباط برقرار کند و بفهمد دختر ۶ ساله از کجا آمده. **از چه می‌ترسیم:** یک انسان با قدرت فوق‌العاده که می‌تواند به دیگران آسیب برساند به خودی خود وحشتناک است به خصوص اگر کسی نتواند جلوی او را بگیرد. این طور که از قصه فیلم پیداست عامل ترسناک «خواب لیلا» که همه گروه سازنده‌اش آن را یک فیلم وحشتناک می‌دانند، شبیه ترسناک‌های هالیوودی است.

بستی‌چی ۳ بار... / حسن فتیحی / ۱۳۸۷



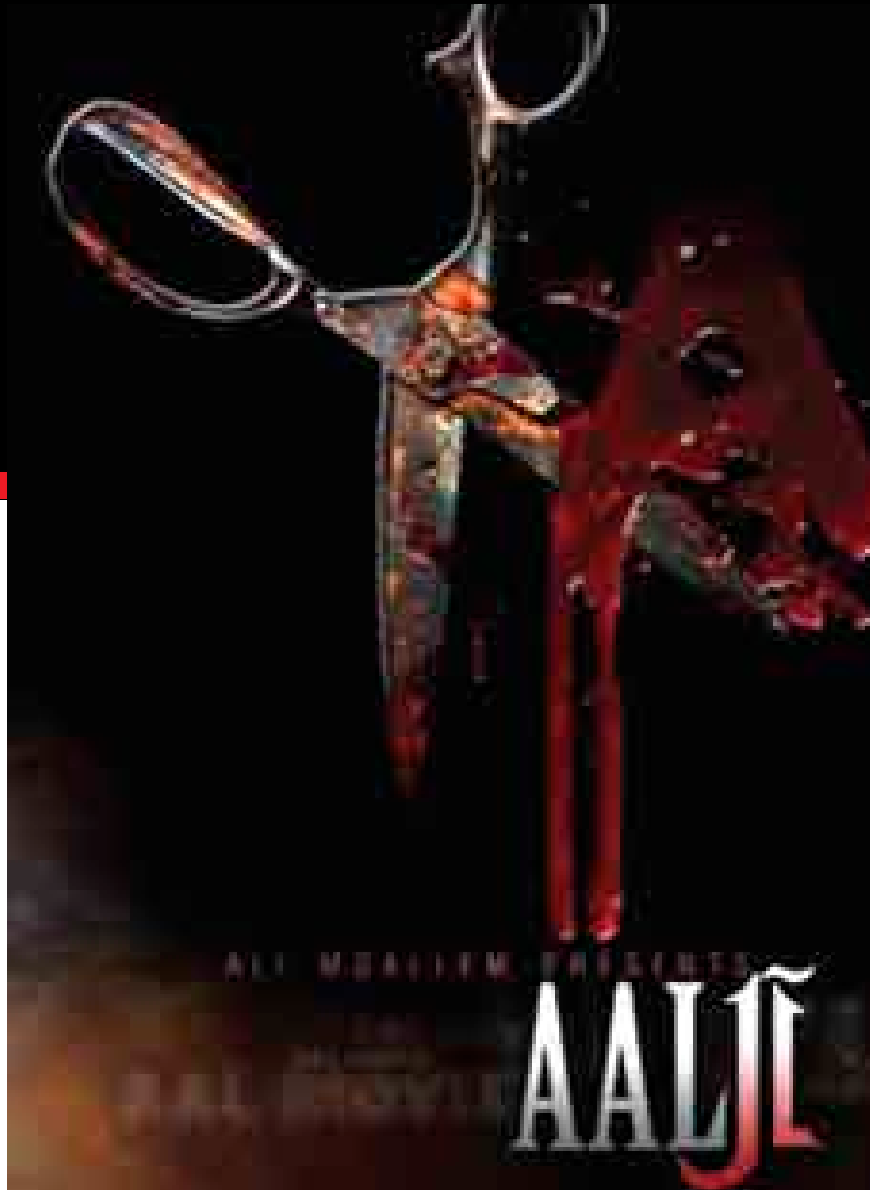
داستان فیلم: قصه از یک گروه گانگبری شروع می‌شود. محمدرضا فروتن کارگر یک کارخانه است و دختر صاحب کارخانه را گروگان می‌گیرد تا با او تسویه حساب کند. از جایی که معلوم نیست کجاست صدای ترسناک خنده یک بچه می‌آید؛ تابلوهای روی دیوار خانه جابه‌جا می‌شوند و صداها عجیب‌وغریب ادامه پیدا می‌کند. در ۲ طبقه دیگر ساختمان آدم‌هایی از زمان‌های گذشته زندگی می‌کنند که با باران کوثری و محمدرضا فروتن درگیر می‌شوند...

از چه می‌ترسیم: فتیحی در «بستی‌چی سه بار در نمی‌زند» مثل تجربه‌های قبلی‌اش سعی کرده یک فضای کاملاً ایرانی نشان دهد. دیالوگ‌های فیلم مسجع و موزون هستند؛ مثل دیالوگ‌های اشک‌ها و لبخندها. اما قسمت‌هایی که باعث می‌شوند بترسیم چندان ایرانی نیستند. گوی آهنی فلزی که بکپو از جلوی فروتن رد می‌شود، آدم‌هایی که مربوط به زمان گذشته‌اند و با آدم‌های زمان حال درگیر می‌شوند، المان‌هایی هستند که بیشتر در فیلم‌های ترسناک خارجی می‌بینیم؛ گرچه خود فتیحی اصلاً معتقد نیست فیلمش یک فیلم ژانر وحشت است و ترجیح می‌دهد برای فیلمش عنوان معمایی - جنایی را انتخاب کند.



روز زرد / داربوش فرهنگ / ۱۳۸۱

داستان فیلم: آرش و مهشید زوج جوانی که در شمال طی یک تصادف، یک مرد سیاه پوش را کشته‌اند، با لیلی و داوود آشنا می‌شوند که شب عروسی شان به سمت شمال آمده‌اند و...
از چه می‌ترسیم: وجود یک قاتل ناشناخته که جان همه شخصیت‌های داستان را به شدت تهدید می‌کند و آنها را در شرایط وحشتناکی قرار می‌دهد و قابل پیش بینی نبودن اتفاق‌ها و قاتل، نکته‌هایی است که در روز زرد تماشاگر را می‌ترساند اما این ترس کاملاً شبیه ترسیدن از فیلم‌های ترسناک خارجی‌ای است که محورشان شرارت‌های یک قاتل است و بامزه تر اینکه فیلم، مستقیماً از روی یک فیلم خارجی به نام «می‌دائم در تابستان گذشته چه کرده‌ای» کپی شده و لحظه‌های ترسناکش هم شبیه آن است



ترس در خانه و ماگرد جهان می‌گردیم

احسان ناظم بکایی

پایه این فیلم‌ها هستیم. البته خیلی‌ها عشق‌اره و جیغند. همین «کینه ۲» هم فروش خوبی در تک‌سانس سینما فرهنگ دارد (هر چند به پای قسمت اولش نمی‌رسد)، «حریم» هم به نسبت وضع تبلیغات و ستاره‌هایش وضع بدی در اکران ندارد. گزارش‌های منتشر شده درباره اکران و تولیدات آینده سینمای ایران هم نشان می‌دهند که چند تا فیلم ترسناک در راه است ولی خوب، حالا ما که این قدر پایه‌ایم، چرا سینماگرهای ما آستین‌هایشان را درست و حسابی بالا نمی‌زنند؟ این همه هم که ما به ایرانی برای ترسیدن داریم؛ جن، روح، بختک، آل و... می‌بینید، آن قدر ظرفیت داریم که موج ایرانی فیلم‌های ترسناک را راه بیندازیم؛ همان کاری که ژاپنی‌ها با فیلم ترسناکش کردند و اصلاً ژانر horror - جز ژانر ترس ژاپنی را راه انداختند، آن هم با آب و مو و صدای روح. آن قدر هم کارشان گرفت که هالیوودی‌ها آنها را بازسازی کنند؛ مثل حلقه، کینه، آب تاریک و... البته یک نکته مهم هم این وسط هست؛ بعضی فضاهای ترسناک ما که حول و حوش روح و جن و برزخ می‌چرخند، پایه مذهبی دارند و وارد شدن به آنها تا حدی خطرناک است و دنگ و فنگ دارد؛ به خصوص که مسائلی مثل روح و جن و برزخ در احکام و امور مذهبی خیلی کلی آمده و اتفاقاً آن چیزی که آن را ترسناک می‌کند، از جایی است که وارد خرافات می‌شود. چیزهایی مثل ماجرای سم داشتن جن‌ها، عروسی گرفتنشان و شاخ داشتن شیطان، ذاتا ترسناکند ولی خوب، تماش خرافات است. چیزهای خوشحالی مثل آل و بختک هم که از پایه روی هوا هستند؛ یعنی پرداختن به این مضامین در فیلم‌ها باید طوری باشد که باعث رواج خرافات نشود. نکته دیگر اینکه این درست است که ترسیدن و به هوا پریدن می‌چسبد ولی خوب، در آموزه‌های دینی آمده که اگر ترسی هم هست باید آن ترس از خدا باشد نه مخلوقاتش...

با همه این تفاسیر، باز هم جای سینمای ترسناک ایرانی در کشور ما خالی است؛ سینمایی که وقتی ملت وارد سالنش می‌شوند، چیزهایی را ببینند که وقتی از سالن بیرون آمدند، لااقل تا چند روز به فکر آن دنیا و شب اول قبر و تکبیر و منکر باشند؛ درست مثل آن موقعی که ملت تازه از مراسم تدفین در بهشت زهرا (س) به شهر برمی‌گردند.

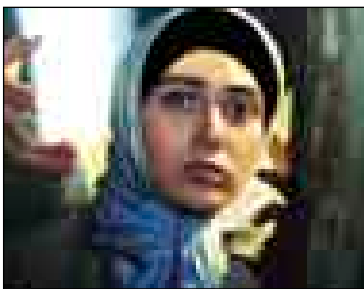


شب بیست و نهم / حمید رخشانی / ۱۳۶۸



داستان فیلم: شبی که در ماه‌های آخر بارداری است حمله می‌کند و...
از چه می‌ترسیم: شاید بشود گفت شب بیست و نهم، بهترین نمونه از فیلم‌های قدیمی سینمای ایران است که در ژانر وحشت ساخته شده‌اند. قصه فیلم در فضایی کاملاً سنتی می‌گذرد و همه موضوعاتی که فیلم را ترسناک کرده‌اند ایرانی‌اند؛ از شیخ و آل گرفته تا روابط سنتی بین آدم‌ها؛ ضمن اینکه کارگردان توانسته از کوچه‌های تنگ و تاریک محله‌های سنتی و خانه‌های قدیمی و بزرگ برای ترسناک کردن فضا استفاده کند.

خوابگاه دختران / محمدرضا لطیفی / ۱۳۸۳

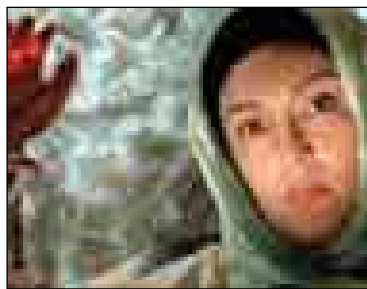


داستان فیلم: شیرین و رویا در دانشگاه یکی از شهرستان‌ها قبول شده‌اند اما خوابگاه دانشگاه جایی برای آنها ندارد. دخترها مجبور می‌شوند در خانه سرایدار خوابگاه زندگی کنند که روبروی یک ساختمان مخروبه قرار دارد که اهالی معتقدند جن زده است.

از چه می‌ترسیم: لطیفی در کنار موقعیت‌های ترسناکی که در همه فرهنگ‌ها مشابه‌اند مثل ترس از خانه متروکه، از المان‌های ایرانی هم استفاده می‌کند؛ موضوعات ترسناکی مثل قصه جن و گم شدن دخترها در شب عروسی شان و در نهایت باز هم سراغ یک موضوع مشترک یعنی ترس از قاتل زنجیره‌ای می‌رود. با اینکه ترسناک‌ترین صحنه این فیلم یعنی بیرون آمدن دست از دیوار کنار کوثری، باز هم مشابه فیلم‌های خارجی است اما خوب، فضای ایرانی فیلم هم خوب از کار در آمد؛ گرچه به دلیل اینکه فیلمنامه را ابرج طهماسب نوشته و یکی از بازیگرهای اصلی هم مجید صالحی است فضا با کم‌دی قاطی شده.

قبلا دیده‌ایم

اقلیما / محمد مهدی عسگرپور / ۱۳۸۵



داستان فیلم: سارا و عماد دارند مثل آدم زندگی شان را می‌کنند اما یکپه عماد به دلیل ناراحتی قلبی سر از بیمارستان درمی‌آورد. توی این وضعیت اتفاقات عجیب‌وغریبی برای سارا می‌افتد. سارا کم‌کم فاز توهم برمی‌دارد که یک موجود عجیب دارد ادیتش می‌کند؛ تازه از یک جایی به بعد هم احساس می‌کند که موجود دیگری این بار در درونش دارد شکل می‌گیرد. با اینکه تا آخر فیلم شما هم دچار توهم حضور موجودات ماورایی خطرناک هستید اما آخر کار با شناختن عوامل خارجی بدجوری رودست می‌خورید.

از چه می‌ترسیم: توهم و مشکل‌های روانی همیشه خوراک ژانر وحشت بوده‌اند؛ چون در شرایط حاد روانی، اتفاقات ترسناکی می‌افتد و توهم‌های پیشرفته می‌توانند ترس بیشتری درست کنند. صحنه‌هایی مثل خودبه‌خود روشن شدن تلویزیون و تکان خوردن پرده البته چندان ترسناک از آب در نیامده‌اند چون نمونه‌های خارجی این تصویرها بیشتر می‌ترسانند. البته عسگرپور هم گفته نمی‌خواسته یک فیلم وحشتناک بسازد و بیشتر دوست داشته تعلیق و معماد را در فیلمش پررنگ کند.

پارک وی / فریدون جیرانی / ۱۳۸۵

داستان فیلم: رها آزاد به طور اتفاقی در خیابان با جوان خوش تیپ و خوش چهره‌ای به نام کوهیار آشنا می‌شود و بعد از مدت کوتاهی با وجود مخالفت خانواده‌اش با کوهیار ازدواج می‌کند اما بعد از مدتی متوجه می‌شود کوهیار اخلاق‌های عجیب و وحشتناکی دارد و یک روان‌پریش است.

از چه می‌ترسیم: جز صحنه‌های پرخشونت فیلم مثل قطع شدن انگشت دست با سا تور، وجود یک شخصیت روانی در فیلم باعث می‌شود در همه صحنه‌های فیلم دلهره داشته باشیم و منتظر یک اتفاق وحشتناک باشیم. شخصیت روانی فیلم خیلی شبیه به شخصیت مرد فیلم «روانی» هیچکاک است که مادرش روی شخصیتش خیلی تاثیر دارد؛ با این تفاوت که مادر در فیلم «روانی» هیچکاک مرده اما در «پارک وی» زنده است و با شخصیت روان پریش‌اش روی پسرش تاثیر منفی می‌گذارد.

پارک وی اولین فیلم ایرانی بود که در ژانر «سلسلر» (ژانر فیلم‌های ترسناک دل و روده‌ای) ساخته شد و به همین خاطر درجه بندی سنی داشت و دیدنش برای افراد زیر ۱۶ سال بدون خانواده ممنوع بود.



نیما شاهرخ‌شاهی در پارک وی با بازی در نقش یک جوان روانی حسابی گل کرد